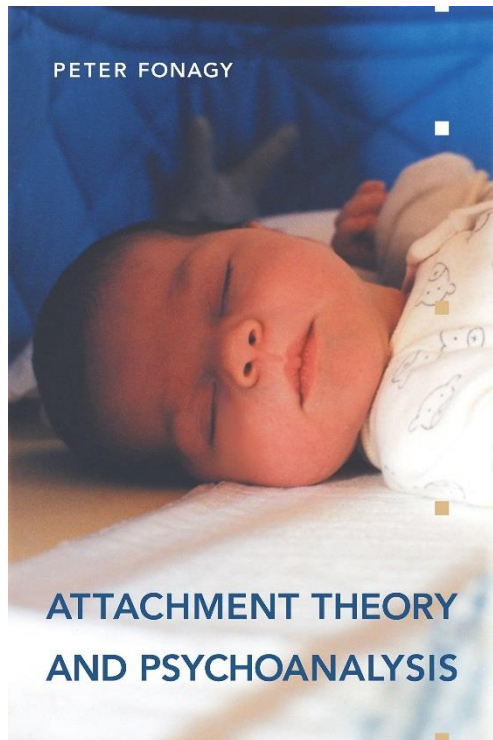


دوره کتابخوانی هیلان

فصل ۸ : نظریه پردازان روابط موضوعی
آمریکای شمالی و نظریه دلبستگی

هانیه مقدم کیا



رئوس مطالب

تأثیر تئوری پردازان روابط موضوعی در انگستان بر روان تحلیل گران آمریکای شمالی:

✓ تأثیر کلاین بر نظریات اتوکرنبرگ

✓ تأثیر وینیکات بر کوهات

نظریه پردازان این فصل:

✓ آرنولد مدل

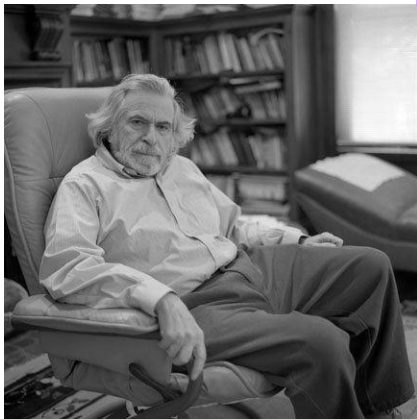
✓ هاینز کوهات

✓ اتو کرنبرگ

آرنولد مدل - ۱۹۲۴

روان تحلیگر و روانپزشک اجتماعی

نظریه روابط موضوعی آرنولد مدل



- تلاش برای ادغام نظریه روابط موضوعی و مدل ساختاری (۱۹۷۵)
- معرفی دو طبقه غرایز:
 - ✓ غرایز اید ← مرگ و زندگی (لیبیدو و پرخاشگری)
 - ✓ غریزه ایگو ← روابط موضوعی
- غرایز ایگو لزوما بیولوژیک نیست بلکه در فرایند تعاملی شکل می گیرد
- هدف اصلی غرایز ایگو ← تسلط بر اید

وجوه همسو با نظریه دلبستگی

- یادآور تلاش اولیه بالبی برای یکپارچه کردن آراء روان تحلیل گری سنتی با مشاهدات جدید
- الویت دادن نیاز دلبستگی نسبت به نیازهای بیولوژیکی
 - تعارض کشاننده ها نتیجه (و نه دلیل) حس عدم یکپارچگی Self است.
 - در افرادی که نیاز روابط موضوعی آن ها ارضاء نشده اند تجربیات اضطراب زا (تهدید حس عدم یکپارچگی خود) شدید تر تجربه می شود
 - مفهوم «Seperation guilt»
- شباهت توصیف شخصیت نارسیستیک در نظریه مدل با الگوی اجتنابی در دلبستگی

وجوه همسو با نظریه دلبستگی

- توضیح مفهوم transitional relatedness در بیماران مرزی برای اولین بار
 - کارکرد inanimate objects در نوزادن
 - جایگزینی inanimate objects با روابط بین فردی در بیماران مرزی
 - والدین ترسیده و ترساننده
 - دوپارگی تصویر خود در بیماران مرزی
 - نوزادی درمانده
 - فردی همه توان (بی نهایت بخشنده یا بسیار مخرب)
- harrowing dilemma «««»»»

وجوه افتراق با نظریه دلبستگی

- مدل معتقد است نظریه روابط موضوعی فقط درخصوص گروه خاصی از بیماران کاربرد دارد.
- تلاش او برای نزدیک کردن نظریه روابط موضوعی با نظریه ساختاری از نظر نظریه پردازان ساختاری موفق نبوده و افزودن غریزه ایگو هماهنگ و سازگار با چارچوب نظری ساختاری نیست.

هاینز کوهاٹ ۱۹۱۳-۱۹۸۱

روان تحلیلگر اطریشی-آمریکایی



- همسو با نظریه پردازان روابط موضوعی به خصوص وینیکات بر اهمیت روابط موضوعی تاکید داشت.
- به طور جدی نظریه سائق محور فروید را زیر سوال برد، به خصوص در توضیح نارسیسیزم.
- کوهاٹ انقلابی در روان تحلیل گری آمریکای شمالی ایجاد کرد و با معرفی روانشانی self سلطه روانشناسی ego را شکست.

رشد بهنجار خود از نظر کوهات

- فرایند رشد خود نه در تنهایی و انزوا و نه به واسطه سائق ها بلکه در یک رابطه شکل می گیرد
- موضوع خود
 - افراد یا اشیائی که همچون بخشی از خود تجربه می شوند و یا برای اجرای کارکردی در خدمت خود قرار می گیرند.
- عوامل پیش نیاز دخیل در پیدایش خود هسته ای
 - توانایی های ذاتی کودک
 - ارتباط همدلانه والدین با کودک. یعنی پاسخ موضوع های خود (والدین) به نیازهای انعکاس یابی و آرمان سازی کودک

رشد بهنجار خود از نظر کوهات

- نقصان های غیر آسیب زا در نحوه پاسخ گویی والدین به کودک «««»» محرک پیدایش خود هسته ای.
- خود هسته ای از طریق فرایند درونی سازی دگرگون ساز (transmuting internalization) شکل می گیرد.
 - موضوع های خود و کارکردهای آن ها با خود و کارکردهای آن جایگزین می شوند.
- «««»» در این فرایند خود به سمت یکپارچگی و انسجام پیش می رود و به تدریج خطر چندپارگی آن کاهش می یابد.

رشد بهنجار خود- مولفه های خود هسته ای

۱. خود بزرگ پندار-نمایشگر (grandiose-exhibitionistic self)
در ارتباط با موضوع خودی که همدلانه به کودک پاسخ می دهد و خود بزرگ پندار او را تایید و منعکس می کند استقرار می یابد.
«من عالی و بی نظیرم، نگاهم کن»

۲. انگاره/ تصویر عاطفی آرمانی والدین (imago)
این تصویر در ارتباط با موضوع خودی که همدلانه با روا داشتن و لذت بخش ساختن آرمانی سازی والدین به کودک پاسخ می دهد شکل می گیرد.
« تو کامل و بی نظیری ، اما من جزئی از تو هستم»

رشد بهنجار خود- مسیر نارسیستیک رشد

- ✓ تعدیل خود بزرگ پندار «» مبنی انرژی، بلندپروازی و عزت نفس
- ✓ واقع نگری نسبت به والدین آرمانی «» به صورت سوپرایگوی آرمانی درون فکنی می شود.
- آسیب شناسی: اگر آسیب ها و محرومیت های دوران کودکی از ایجاد خودی منسجم در قالب یکپارچه یک شخصیت سالم جلوگیری کند، خود بزرگ پندار و موضوع آرمانی به شکلی بدون تغییر و دست نخورده باقی می ماند و برای رفع نیازهای ابتدایی خود تلاش می کنند.
- موضوع خود مفهوم و نیاز محدود به کودکی نیست و فرد به درجات مختلف در طول زندگی برای حفظ یکپارچگی خود به آن نیازمند است.

وجوه همسو با نظریه دلبستگی

۱. تاکید بر اهمیت دلبستگی

- دلبستگی به عنوان انگیزه استقرار و حفظ انسجام خود
- جایگزینی درایو های دو گانه با ساختارها و سازه های مبتنی بر رابطه.
- رشد خود نتیجه فرایند انعکاس (mirroring) و حساسیت مادرانه (maternal sensitivity) است.
- معکوس کردن رابطه بین درایو ها و ساختار خود. تعارض بین کشانه ها نشان دهنده یک خود آسیب دیده است:
 - تعارضات ادیپال نتیجه ناتوانی والدین در برخورد مناسب نیازهای ادیپال
 - اضطراب اختگی و رشک آلت نتیجه تحمیل های خارجی است.

وجوه همسو با نظریه دلبستگی

۲. تاثیر مراقبت غیر حساس بر شکل گیری IWM

۳. نگاه کوهات به نارسیسیزم

مراقبت غیر همدلانه «»»» تصویر آرمانی شده اما ناقصی از والدین به جای بازنمایی های کودک از توانایی های خود درونی می شود.

از نگاه دلبستگی: دوپارگی IWM در بیماران نارسیستیک.

۴. تبیین استفاده نارسیسیزم آسیب دیده از rage برای حفاظت از سلف و خودبزرگ پنداری

وجوه همسو با نظریه دلبستگی

۵. مراقبت غیر حساس از نظر کوهات

والدینی ناتوان از انعکاس دادن (mirroring function)

تحسین و تشویق ناسنجیده، غیر واقعی و افراطی

««« سیستم ارزشی غیر قابل دسترس، غیر واقعی

وجوه افتراق با نظریه دل‌بستگی

۵. انگیزه اصلی رفتار: حفظ یکپارچگی خود نه الگوهای بیولوژیکی رابطه

۶. اهمیت رابطه وابسته به کارکرد آن در ارتباط با خود است.

۷. توصیف کوهات از خود: ابر ساختار

۸. آیا مفاهیم بزرگ‌پنداری (grandiosity) و همه‌توانی (omnipotence) بخشی طبیعی از رشد

هستند؟

اتو کرنبرگ - ۱۹۲۸

- پر ارجاع ترین روان تحلیل گر زنده دنیا
- یکپارچه کردن دو نظریه روابط موضوعی و ساختاری به صورتی منسجم
- علاقه مند به پژوهش تجربی و کار آماری (تهیه کتابچه راهنما برای روش درمان)



سازمان روانی و سیستم انگیزشی

- مبنای سازمان روانی

- Self representation

- Object representation

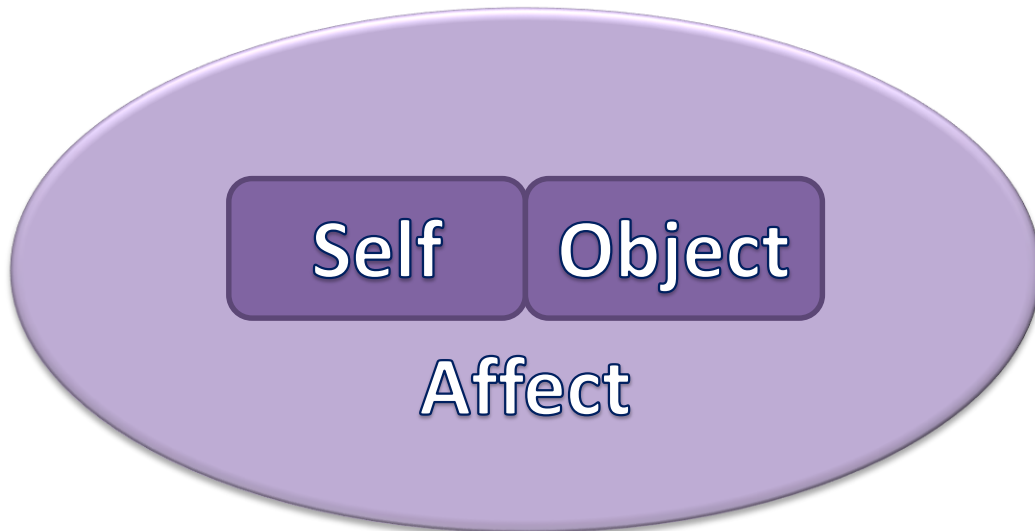
- Affect state

«»» یک واحد روانشناختی

عاطفه به عنوان سیستم انگیزشی اولیه و مبنی رفتار

سازمان روانی و سیستم انگیزی

Unit:



دیدگاه کرنبرگ به کشاننده ها و ساختارهای روانی

کشاننده ها

- محصول فرایند رشد تا انگیزه آن
- ساختارهای فرضی (hypothetical)
- نتیجه گرد آمدن مجموعه عواطف همانند حول موضوعات جنسی و پرخاشگری

اید، ایگو و سوپر ایگو

- ساختارهای فرضی
- مجموعه ای از روابط Self-Object تحت تاثیر حالت هیجانی درونی

دیدگاه کرنبرگ به تشکیل Self

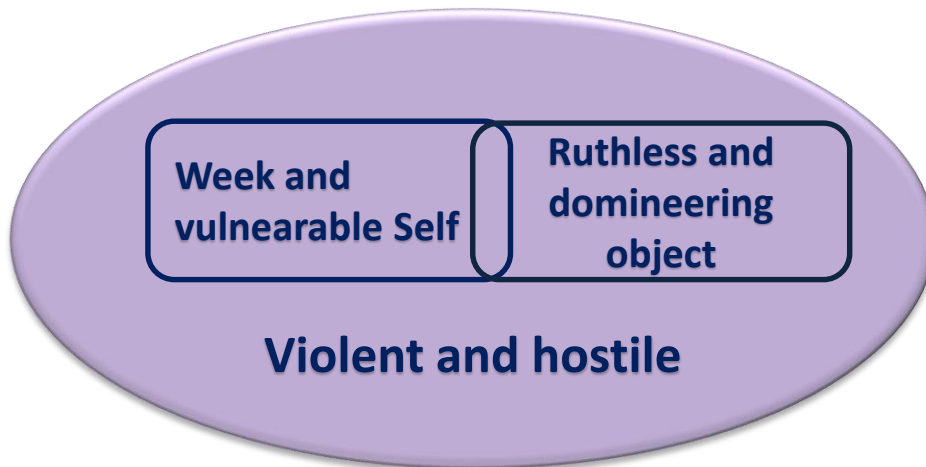
- Self به عنوان بخشی از رابطه شکل می گیرد و محصول درونی سازی است.
- هم نظر با روابط موضوعی
- No specific developmental trajectory

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - آسیب شناسی نورو تیک

- درجه بالای سازمان یافتگی شخصیت متناسب است با توانایی در یکپارچه کردن بازنمایی ها
- ترکیب بازنمایی های خوب و بد (از خود و دیگری) به کمک ظرفیت عاطفی «»» بازنمایی هایی حاوی هر دو عنصر عشق و خشم
- تاکید بر اهمیت بازنمایی ها در روابط موضوعی آینده
- وجود واحدهای رفتار تکانشی، دفاعی و تعارض حتی در یک Self یکپارچه

وجوه همسو با نظریه دلبستگی-آسیب شناسی نوروتیک-اضطراب

- خصوصیت اصلی آسیب شناسی نوروتیک
- بازنمایی Self-object مملو از عاطفه اما نامتمایز



وجوه همسو با نظریه دلبستگی - آسیب شناسی مرزی

- ناکارآمدی گسترده در کل سیستم IWM
- رفت و برگشت خیلی سریع بین دو حالت:
 - فعال شدن بازنمایی از خود و برون فکنی شدن بازنمایی از موضوع
 - فعال شدن همانند سازی با موضوع و برون فکنی بازنمایی از خود
- تغییر موضع شدید و مکرر است
- شبیه به طبقه آشفته در مصاحبه دلبستگی بزرگسال

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - آسیب شناسی مرزی - سبب شناسی

علت ناکارامدی گسترده:

- شکل گیری واحدهای ساختار Self (Self-Object-Affect) بر اساس بازنمایی های پارت آبجکتی (مکانیزم دوپاره سازی) نه بر اساس بازنمایی های اصیل و واقعی
- بازنمایی های پارت آبجکتی نماینده کل زندگی فرد نیست بلکه مربوط به تجربه لحظه هایی است که عاطفه شدید و گسترده خارج از کنترل فرد بوده است.

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - آسیب شناسی مرزی

هویت گسسته

- نتیجه عدم یکپارچگی بازنمایی ها از رابطه
- نوسانات مکرر بین دو مفهوم متضاد خود «» عدم تجربه حس ثبات خود

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - پرسشنامه AAI

- وجود شباهت در بازنمایی های سبک دلبستگی آشفته از روابط دلبستگی با مدل کرنبرگ
- فرمول بندی کرنبرگ از زبان دلبستگی: فعال شدن IWM های ساخت نیافته، ناپایدار و تحریف شده که مشخص نیست مرتبط با subject است یا object.

وجوه افتراق با نظریه دلبستگی - تجارب اولیه زندگی

- کرنبرگ امتیاز ویژه ای برای تجارب اولیه زندگی قائل نیست
- نظریه دلبستگی هم لزوما معتقد به ارزش کمتر تجارب مراحل بعدی زندگی نیست

وجوه افتراق با نظریه دلبستگی - کشاننده ها

- سازه های فرضی نه پیش فرض های بیولوژیکی
- مفهوم کشاننده در نظریه دلبستگی جایگاهی ندارد
- تلاشی برای ماندن در جامعه روان تحلیل گران؟!

وجوه افتراق با نظریه دلبستگی - دنیای درون روانی

- نقد کرنبرگ بر بالبی: نادیده گرفتن دنیای درون روانی
- انتقادی ناروا از نظر فوناگی
- مفهوم سازی متفاوت دنیای درونی در دیدگاه بالبی و کرنبرگ
- توجه ویژه بالبی به سازه هایی نظیر IWM ها
- کتاب "environmental and organismic models"

وجوه افتراق با نظریه دلبستگی - پرخاشگری - اختلافی بنیادین

- علت حالت روانی بوردرلاین:

شدت تکانه های پرخاشگری + ساختار ضعیف ایگو ««« ناتوانی در کنترل تکانه

در بیماران مرزی ««« خطری دائمی برای درون فکنی مناسب موضوع «««

استفاده از دفاع سطح پایین دویاره سازی برای جدا کردن تصویر خود و موضوع

- دویاره سازی دفاعی برای حفظ و نجات good images زیر هجوم hostile

negative images

وجوه افتراق با نظریه دلبستگی - پرخاشگری-اختلافی بنیادین

- در نظریه دلبستگی استعداد و زمینه ای برای پرخاشگری در نوزاد در نظر گرفته نمی شود.
- تبیین (1996) shaw برای پرخاشگری:
- نتیجه چرخه ای از تعاملات، رفتار و پاسخ
- فرض وجود سطوح بالای پرخاشگری ذاتی و درونی، نگاهی بسیار کاهش گرایانه به مفاهیم پیچیده

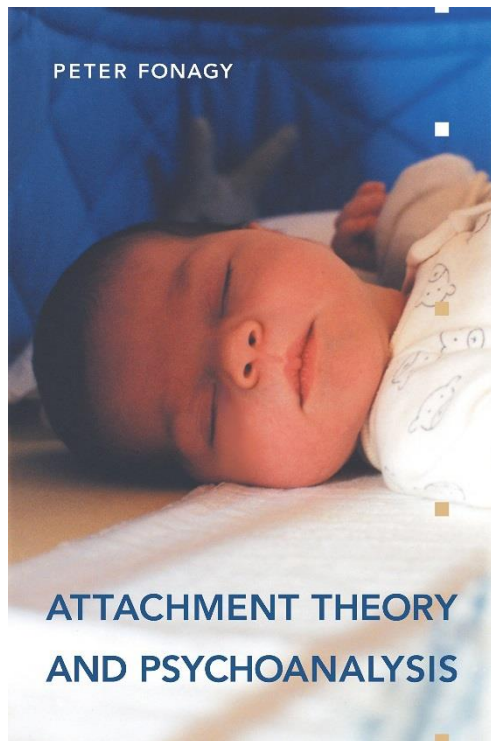
مکتب میان فردی در روان تحلیل گری

- ابتدا بالبی نادیده گرفته شد اما بعدها به اهمیت او اذعان شد.
- تاثیر داروین و نظریات او
- بر فروید: تاکید بر جنبه هایی غریزی در روان
- بر بالبی: تاکید بر اهمیت مفاهیم بقاء و سازگاری و در نظر گرفتن رفتار دلبستگی به عنوان انتخاب طبیعی

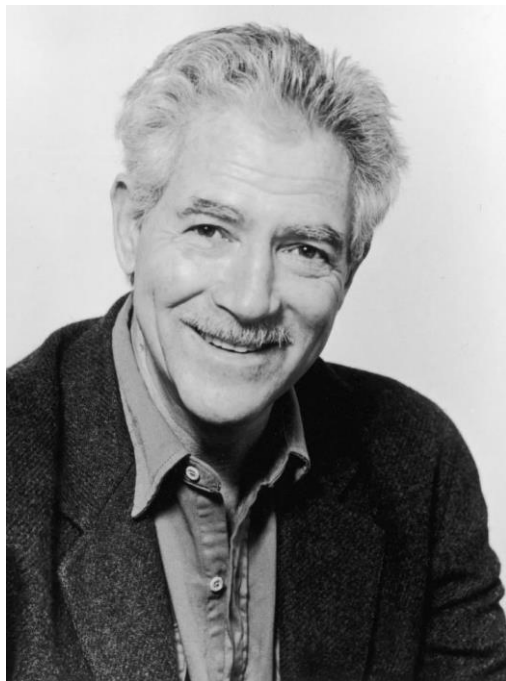
دوره کتابخوانی هیلان

فصل ۹ : روانپزشکی نوزادان در روان تحلیل
گری مدرن: دنیل استرن

هانیه مقدم کیا



دنیل استرن ۱۹۳۴-۲۰۱۲



- پل بین روان تحلیل گری و مدل های تحولی مبتنی بر تحقیق
 - مطالعه روابط عاطفی اولیه مادر و نوزاد
 - مطالعه تحول ساختار Self
- «نوزادان از همان لحظه تولد موجوداتی عمیقا اجتماعی هستند و با خود آورده هایی برای برقراری روابط منحصر به فرد با دیگران دارند»

چهار مرحله تشکیل Self از دیدگاه استرن

1. The sense of emergent self

یکپارچه کردن محرک های حسی به کمک سرنخ های محیطی بین ۰ تا ۲ ماهگی

2. The sense of core self and the domain of core relatedness

شکل گیری حافظه اپیزودیک بر اساس تجربیات.

تعمیم تجربیات گذشته به آینده و پیش بینی و تاثیر گذاری بر محیط

تجربه self به صورت مجزا از دیگری و پایدار

تشکیل بازنمایی درونی کردن رابطه با مراقبین اولیه

چهار مرحله تشکیل Self از دیدگاه استرن

3. The sense of subjective self and the domain of intersubjective relatedness

بین ۷ تا ۱۵ ماهگی:

کشف وجود یک ذهن در پس وقایع فیزیکی

درک تفاوت تجربیات خود با دیگران

وجود attunement مناسب با مراقب اولیه «««» کم کردن این فاصله به کمک تجربیات intersubjective

4. The sense of verbal self

دستیابی به ظرفیت بازنمایی نمادین و زبانی

خلق بازنمایی های انتزاعی و پیچیده

چهار مرحله تشکیل Self از دیدگاه استرن

- استرن با مطالعه دنیای بین فردی نوزادان کمک شایانی به درک ذهن پیش کلامی (pre-verbal subjective) کرد.
- مسئله رشد ذهن صرفاً گذشتن از مراحل فروید نیست بلکه مراحل شکل گیری subjectivation اهمیت دارد.

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - رابطه

- سه نوع رابطه بین خود و دیگری (Self-with-other)

Self-other complementing

Self-other state sharing

Self-other state transforming

- بیان مفهوم رابطه فراتر از نظریه دلبستگی (هدف تحول) یا طفره و جدایی (ابزار رسیدن به خودمختاری)

- Relationships معنی بخش همه ارتباطات انسانی، حس صمیمیت و اعتماد در تمام طول

عمر.

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - مدل های کاری درونی

- مهمترین نقطه اشتراک از نظر فوناگی
 - مفهوم جهان بازنمایی شده (representational world)
- emergent moment: یکپارچه کردن shjective همه تجربیات زندگی فرد.
- شامل:

مجموعه رفتارها، هیجانات، حس ها و همه جنبه های دنیای درون و بیرون
بازنمایی ها از وقایع، بازنمایی های سمانتیک، طرحواره های ادراکی و طرحواره های
حسی و بازنمایی های حسی - حرکتی

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - مدل های کاری درونی

- بازنمایی هایی که استرن معرفی می کند:

Feeling shapes

Proto-narrative envelopes

- قرار گرفتن این دو طرحواره در کنار هم ««««

the schema of a-way-of-being-with

وجوه همسو با نظریه دلبستگی the schema of a-way-of-being-with

- دیدگاه subjective نوزاد در جریان تعامل با مراقب
شکل دهی تجربیات حول و حوش انگیزه و هدف
گسترده‌گی انگیزه و هدف‌ها
- توصیف رابطه والد و نوزاد به کمک استعاره‌های موسیقی
- Shared play
- مثال موضوع غیر پاسخ‌گو «»»» false-way-of-being-with

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - مدل عصب شناختی

- طرحواره ها ویژگی emergent سیستم عصبی و mind هستند
- حتی در آسیب فراگیر مغز همچنان جنبه هایی از تجربیات فرد حفظ شده است.
- Emergent moment به شکل فعال شدن توامان مجموعه ای گره ها در شبکه عصبی توصیف می شود.
- هربار فعال شدن شبکه به معنی یک فرایند یادگیری است
- Fire together wire together

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - مدل عصب شناختی

- در مدل استرن امکان تعدیل و اصلاح سیستم از هم درون و هم از بیرون وجود دارد
- مفهوم داروینیزم عصبی (edelman) در مدل استرن راه را برای تحقیق بر روی انتخاب طبیعی در بازنمایی ها باز گذاشته است.

وجوه همسو با نظریه دلبستگی- مفهوم مدل های کاری درونی

- نزدیک کردن مفهوم IWM ها به مفهومی که در mental model ها استفاده می شود.
 - توصیه های Johnson-Laird در خصوص مدل های ذهنی
- در طراحی یک مدل ذهنی باید از دانش موجود و شواهد کلامی و ادراکی استفاده شود.
دقیقا مشخص شود مدل ارائه شده توضیح دهنده چه مفهومی است.
سنجش اعتبار به کمک مدل های مشابه انجام شود.

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - مفهوم مدل های کاری درونی - استنباط

- کتاب Johnson Laird and Byrne با موضوع deduction
- عدم تطابق تفاسیر و برداشت های انسان از اتفاقات روزمره با قوانین حاکم بر علم استنباط و استنتاج

««« irrationality ویژگی برجسته و جدایی ناپذیر از هر مدل ذهنی

وجوه همسو با نظریه دلبستگی - عملکرد های ذهنی

- Mental operations با ثبات هستند آنچه در طور تحول تغییر می کند تشکیل مفاهیم جدید و شکل گیری مدل ها جدید تر از جهان در ذهن است.

وجوه افتراق از نظریه دلبستگی

- خلاء مشاهدات طولی
منجر شده به ناتوانی در تبیین بزرگسالی
- عدم تبیین مشخص در مورد چگونگی ارتباط بین طرحواره های ways-of-being-with
مدل های کاری درونی

پایان با تشکر از توجه شما